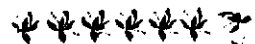
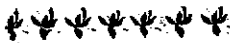


# طلاق در اسلام

## بازیچه نیست



نخستین گام اسلام در بهبود وضع خانواده کو بیدن سنتهای غلط  
جاهلیت درباره زنان بود .



اولین قانونی که اسلام درهدم سوء استفاده مرد  
از طلاق زن تشریح نموده این است که : مرد حق  
ندارد طلاق را وسیله بچنگ آوردن مال زن قرار  
داده ، او را بدینوسیله در فشار و ناراحتی قرار  
بدهد .

اسلام برای طلاق ، نظام خاصی قائل بوده ؛  
برای آن قواعد مفصل و گسترده ای قرارداد است که  
روی دقیق ترین ملاحظات انسانی و اجتماعی و  
خانوادگی محاسبه شده است خصوصاً در مرحله  
اجرائی آنها ، دستورهای اکیلی داده است .

قرآن مجید با صراحت در سوره نساء ضمن دو  
آیه تجاوز بحقوق زن را محکوم و شدیداً مردم را  
از اینکار بازداشتنه است :

بقول نویسندگان دائرة المعارف اسلامی (۱):  
«محمد (ص) در مسأله طلاق نظام نوی آورده است  
که در عصر خود هرگز سابقه نداشته و کسی به آن  
سخن نگفته بود ، این قواعد مترقی نشان می دهد  
که در عصر جاهلیت هیچیک از زوج و ولی ، برای  
زن از لحاظ مالی و امر طلاق حتی قائل نبودند.»

۱- یا ایها الذین آمنوا لاتحل لکم ان ترثوا  
النساء کرهاً ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن  
الا ان یاتین بفاحشه مبینه و عاشروهن بالمعروف فان

(۱) ج ۲۳۸/۱۵ در ماده «طلاق»

کره تموهن فعیسی ان نکرهوا شیئاً ویجعل الله فیه خیراً کثیراً. (۱)

خداوند در این آیه دو وظیفه اساسی را به مردها توصیه می کند:

۱- هنگامیکه مردی زنی را بنکاح خود در آورد بر او حرام است که او را بلا تکلیف نگاهدارد (نه او را طلاق بدهد تا آزاد باشد و نه با او خوش رفتاری کرده بوظایف زن و شوهری عمل نماید) (و نظارش از این کار این باشد) که مال وی را از مهر و غیر آن از چنگ او بیرون آورد (۲) و این نوع طلاق ظالمانه عصر جاهلیت را؛ وسیله تعدی بمال و ثروت همسرش قرار دهد.

۲- دیگر اینکه مردها با همسران خود رفتار نیکو داشته باشند و احياناً اگر از رفتار همسران خود (در مواردی) خوششان نمی آید آنرا تحمل کنند زیرا چه بسا چیزی را ناپسند بدانند در حالی که به نفع آنها است و سرانجام بخیر و رضایت تبدیل می شود و سود زیادی در باطن خود دارد و در استحکام بنیان خانواده مؤثر است.

فقط در يك مورد بمردها حق می دهد که به زندگی مشترك تن ندهند و آن وقتی است که زنها با وجود داشتن شوهر راه انحراف را پیشه خود سازند و طریق فساد را انتخاب کنند.

واضح است که اسلام در این صورت بخاطر

(۱) سوره نساء آیه ۱۹

(۲) تفسیر علی بن ابراهیم ص ۱۲۱

(۳) تفسیر القرانی للقران ج ۱/ ۲۲۸- تالیف عبدالکریم الخطیب

(۴) سوره نساء آیه ۲۰

مصالح خانواده و حفظ نسل و فرزندان از فساد و تباهی، اختیارات خاصی به مرد داده است تا همسر خود را بدین وسیله متوجه کند و او را براه مستقیم وارد سازد مرد طبق این اختیارات می تواند از او کناره گیری کند و با او معاشرت نیکو نداشته باشد و این عمل در حقیقت تجاوز بحقوق زن نیست بلکه يك نوع وسیله احقاق حق است. (۳)

۲- آیه دوم: و ان اردتم استبدال زوج و آیتیم احدا هن قنطاراً فلا تأخذوا منهن شیئاً اناخذونه بهتانا و ائماً مینا (۴) یعنی اگر اراده طلاق همسر خود را کردید از مهر کثیری که با او داده اید بر- خلاف تمایل آنسان چیزی از آنها نگیرید زیرا آن تجاوز و ستم آشکار می باشد.

این دو آیه در اوائل هجرت رسول اکرم (ص) و مسلمانها بمدینه نازل شده است هنگامیکه اسلام؛ مرحله خطر و نا بودی خود را پشت سر گذارده در جاده پیشرفت و نفوذ و تشکل و خود ساختگی افتاده بود، اولین گام اصلاحی خود را در نظام خانواده و روابط زن و شوهری عصر جاهلیت برداشت و با نظام پوسیده و عقب مانده آن عصر، مبارزه بر- خاست و مطالعه روایات و احادیث وارده از امامان و پیشوایان مذهبی بخوبی نمایانگر این حقیقت می باشد.

وایی جاروده، از امام باقر (ع) در شان نزول این

مردی اذنا صارت نازل شده است که یکی از خویشان او اذ دنیا رفت و او مالک جمیع اموال او شد از جمله همسرش را!

اسلام نه تنها با این سنت غلط و غیر انسانی به مبارزه برخاست بلکه این قبیل روشها و سنن جاهلیت را منسوخ و ممنوع اعلام نمود مثلا صریحا اعلام کرد که طلاق‌های غیر صریح (که در آن زمانها سخت متداول بود) اثری بر آن مترتب نیست و تنها با الفاظ صریح و با شروط خاصی که در آینده بحث خواهیم کرد طلاق واقع می‌شود.

و از جمله ظهار، را که یکی از ظالمسانه‌ترین نوع طلاق جاهلیت بود بعنوان عمل زشت و منکر معرفی نمود (۲) و شدیداً با آن به مخالفت برخاست و صریحا آنرا در سوره مجادله مورد انتقاد شدید قرار داد: «خداوند قول زنی را که با شوهر خود مجادله می‌کرد و بخدا شکایت می‌نمود شنید... (به) کسانی که از شما همسران خود را ظاهر می‌کنند (بگواهی پیغمبر) آنان مادرشان نیستند مادر آنان همان هائی هستند که از آنان متولد شده اند و هر آینه آنها قول منکر، و سخنی ناروا و دروغ می‌گویند» (۳)

اسلام حتی به این انتقاد اکتفاء نکرد و برای

آیات چنین نقل می‌کند: که در عصر جاهلیت در اوائل ظهور اسلام هنگامیکه یکی از وابستگان مردی می‌مرد آن مرد لباس خود را بر روی زن می‌انداخت. (و این نشانه تصاحب و مالکیت زن بود!) بدین ترتیب ازدواج با او را مثل مال و ثروتش بهمان مهری که به عده میت بود بارت می‌برد. چنانکه در تواریخ معتبر و تفاسیر شیعه و اهل تسنن نقل شده است (۱) که «ابو قیس بن اسلت» اذ دنیا رفت و فرزندش «محض» لباس خود را بر روی زن پدرش انداخت و وارث نکاح او شد. سپس او را بلا تکلیف گذارد و نه نفقه او را می‌پرداخت و نه او را رها می‌ساخت تا نزد افراد فامیل خود برود تا روزی که مادرش از این وضع ننگین و تحسرباره تنگ آمد و خدمت رسول خدا رسید و از این وضع و جریان جاهلیت شکایت نمود حضرت فرمود تو بمنزل خود بازگرد تا هنگامی که در این مورد آیه‌ای نازل شد به شما و جمیع مسلمانها اعلام می‌کنم تا اینکه آیه: یا ایها الذین آمنوا لاتحل لکم ان ترثوا النساء... و آیه: لاتتکحوا مانکح آبائکم من النساء الخ نازل گردید.

«سیوطی» در «باب النقول» صفحه ۶۰ در شان نزول این آیه‌ها می‌نویسد: این آیات در مورد

(۱) تفسیر نور الثقلین ج ۱/ ۴۵۸ - اسباب النزول ص ۸۴

(۲) «ظهار» عبارت از این است که مرد برای جدا شدن از همسرش به اومی گفت: «تونسبت

به من همانند پشت مادر من هستی» او با این گفتار ابلهانه او را از خود جدا می‌کرد.

(۳) قد سمع الله قول التی تجادلک فی زوجها و تشکی الی الله و الله یسمع تحاورکما ان الله

سمیع بصیر؛ الذین یظاہرون منکم من نسائهم ما هن امهات من امهاتہن الا اللاتی ولدنہن لیقولن منکر؛ من القول و زورا وان الله لعمو غفور.

پیدا کرد شوهرش بر او غضبناك شده و او را طبق سنت جاهلیت «ظهار» گفت سپس از عمل زشت خود پیشیمان گردید زن بحضور پیامبر گرامی اسلام شرفیاب و از این عمل (ظهار) گله کرد و نظر اسلام را در این باره پرسید بدنبال آن آیات فوق نازل گردید چنانکه مشاهده می کنید اسلام با قوانینی محکم و استوار از حقوق زن دفاع می کند بحدیکه جرم يك كلام بی اساس و یاود را شصت روز روزه گرفتن و یا خرج مالی سنگین می داند و این از امتیازات اسلام است که بطرق مختلف و از هر وسیله ممکن در احقاق حقوق زنان می کوشد .

(بقیه دارد)

ظهارکنندگان جریمه و کفاره ای تعیین نمود که در مقابل این گفتار ناشایست و خلاف گوئی ، حق هم بستر شدن با همسر خود را ندارند مگر این که جریمه (کفاره) عمل خود را بدهند و یا اینکه همسر خود را طبق قوانین اسلام طلاق داده او را رها سازند تا از بلا تکلیفی نجات پیدا کند . و جریمه آن یکی از سه چیز است : «یا باید بنده ای را آزاد کنند و یا دو ماه پیاپی روزه بگیرند و یا شصت مسکین و فقیر را اطعام نمایند ...»

در شأن نزول این آیات مورخین و مفسرین از هامة و خاصه چنین می نویسند : «در سال ششم هجرت زنی بنام خوله دختر خویند با شوهرش اختلافی

## چرا نعمت‌ها از بین می‌روند

امام باقر (ع) میفرماید :

إِنَّ اللَّهَ قَضَىٰ قَضَاءَ حَتْمًا أَلَّا يُنْعَمَ عَلَى الْعَبْدِ بِنِعْمَةٍ فَيَسْلُبَهَا  
إِيَّاهُ حَتَّىٰ بُهِّدَتْ الْعَبْدُ نِيْمًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ النَّهْمَةَ

حکم قطعی خداوند این است که نعمتهائی را که به مردم داده از آنها نگیرد مگر اینکه گناهی مرتکب شوند که موجب سلب آن نعمت گردد .

(نعمت‌های خدایی پایان است اما بی حساب نیست؛ بدون حساب

به کسی نمیدهد و بی حساب از کسی نمیگیرد) .